

فوائد مهم و سرنوشت ساز
نیکو به والدین و صلہ رحم

محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سید و خاتم پیامبر حضرت محمد مصطفی و آل طاهرینش.

اسلام دین محبت و صمیمیت و کمک به یکدیگر و ارتباط باهم است. لذا به احسان به والدین وصله ارحام توصیه نموده است وصله ارحام یعنی انسان ارتباط محبت امیز با والدین و با فامیل داشته باشد. و با هیچ یک از والدین یا بستگان، قهر نباشد و قطع رابطه نکند.

نیکی به والدین وصله ارحام فواید خیلی مهمی برای انسان دارد. در عمر انسان تاثیر گزار است. مرگ را عقب می اندازد و به عمر انسان

می افزاید و در نجات از گرفتاری ها و مصیبت ها خیلی اثرگذار است. ارتباط خویشاوندی و نیکوکاری حساب [روز جزا] را آسان می نمایند و [انسان را] از گناهان دور می سازند و روزی را افزایش می دهد و...

در این کتاب به آیات و روایاتی که درباره اهمیت صله ارحام است اشاره می نمایم. کرمانشاه-تابستان ۹۶

بخش اول: احسان به والدین

یکی از مهم ترین توصیه های خداوند در قران کریم و همچنین توصیه های چهارده معصوم به ما مسلمانان، توصیه به نیکی به پدر و مادر است. که برای نیکی به والدین آثار خیلی مهم و سرنوشت سازی در دنیا و آخرت بیان کرده اند. بطوری که فرموده اند اگر شخصی بتواند به والدین خود در زمان حیات و بعد از رحلتشان نیکی کند این شخص امرزیده شده است و برعکس اگر آنها از او ناراحت باشند و با این حال از دنیا بروند دیگر امرزیده نخواهد شد.

احسان به والدین در راس همه امور

قال امیر المؤمنین علی (ع)

بر الوالدین اکبر فریضه

:امیر المؤمنین علی (ع) فرمود

:بزرگترین و مهمترین فریضه، نیکی به پدر و مادر است.^۱

^۱ میزان الحکمة، ج ۱۰، ص ۷۰۹

احسان به والدین دستور الهی

وقتی قرآن می فرماید وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ [۲] لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

((پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر

نیکی کنید. هر گاه تا تو زنده هستی هر دو یا یکی از آن دو

سالخورده شوند، آنان را میازار و به درشتی خطاب مکن و با آنان به

اکرام سخن بگوی))

در این آیه شریفه به چند نکته اشاره شده است

به توحید عبادی: وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

رفتار نیک با والدین: وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

میزان رفتار با والدین: فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ

لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

یعنی در زمان پیری که بیشترین نیاز را به فرزندان دارند نباید حتی به

اندازه اف گفتن دل آنان را به درد آورد

از این آیه فهمیده می شود که چقدر احسان به والدین اهمیت دارد تا جایی که احسان به والدین را بعد از ایمان به خداوند ذکر کرده است.

و در روایت است که اگر والدین از انسان راضی باشند خداوند هم از انسان راضی می شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود

آنکه پدر و مادرش را خشنود کند، خدا را خشنود کرده و کسی که پدر و مادر خود را به خشم آورد، خدا را به خشم آورده است³

چرا به بزرگترین سوره قرآن، بقره گفته می شود؟

زیرا در این سوره داستان گاو بنی اسرائیل و بهانه هایی که مردم می آوردند ذکر شده است که ما مشروح داستان را می آوریم:

مرد نیکوکاری به پدر و مادر خود احترام می کرد. در یکی از روزها که پدرش در خواب بود معامله پر سودی برایش پیش آمد، ولی مغازه اش بسته بود و کلید مغازه نزد پدرش بود و پدرش نیز در آن

وقت خوابیده بود. فروختن کالا، بستگی به بیدار کردن پدر داشت،

تا کلیدی را که در نزد پدر بود بگیرد. مرد نیکوکار آن معامله

پرسود را به خاطر بیدار نکردن پدر، انجام نداد (و به خاطر احترام به

پدر، از سود کلانی که معادل ۷۰ هزار درهم بود، گذشت) و مشتری

رفت. وقتی پدر بیدار شد و از ماجرا اطلاع یافت، از پسر مهربانش

تشکر کرد و گاوی را که داشت به پسرش بخشید و گفت:

«امیدوارم خیر و برکت بسیار، از ناحیه این گاو به تو برسد

قتل

این از یک سو، و از سوی دیگر یکی از جوانان نیک بنی اسرائیل از

دختری خواستگاری کرد، به او جواب مثبت دادند، پسرعموی او که

جوان آلوده به گناه بود، از همان دختر خواستگاری کرد.

خواستگاری او را رد کردند، او کینه پسرعمویش را به دل گرفت تا

این که شبی او را غافلگیر کرده و کشت و جنازه اش را در یکی از

محلّه ها انداخت. فردای آن روز کنار جنازه آمد و با گریه و داد و

فریاد، تقاضای خون بها کرد و گفت: «هر کس او را کشته، خون

بهایش به من می‌رسد، و اگر قاتل پیدا نشد، اهل آن محل باید خون
»!بها را بپردازند

یافتن قاتل

موضوع پیچیده شد و اختلاف، شدید گردید، چون تعیین قاتل از
طریق عادی ممکن نبود و ادامه این وضع ممکن بود موجب فتنه و
قتل عظیم شود، نزد موسی - علیه السلام - آمدند تا او از خدا بخواهد
.قاتل را معرفی کند

موسی - علیه السلام - حلّ مشکل را از درگاه خدا خواست، خداوند
دستوری به او داد، موسی - علیه السلام - آن دستور را به قوم خود
:چنین بیان کرد

خداوند به شما دستور می‌دهد ماده گاوی را ذبح کنید و قطعه‌ای از
بدن آن را به مقتول بزنید، تا زنده شود و قاتل را معرفی کند و
درگیری پایان یابد

بِهانه جویی ←

بنی اسرائیل: آیا ما را مسخره می کنی؟

موسی: به خدا پناه می برم از این که از جاهلان باشم

بنی اسرائیل اگر کار را در همین جا ختم می کردند، زود به نتیجه

می رسیدند، ولی بر اثر سؤالهای مکرر، خودشان کار خود را دشوار

نمودند، به موسی گفتند: «از خدا بخواه برای ما روشن کند که این

«ماده گاوی، باید چگونه باشد؟»

موسی: خدا می فرماید: ماده گاوی که نه پیر و از کار افتاده، و نه

جوان باشد، بلکه میان این دو باشد، آنچه به شما دستور داده شد زود

انجام دهید.

بنی اسرائیل: از خدا بخواهد که چه رنگی داشته باشد

موسی: خداوند می فرماید: گاوی زردرنگ که رنگ آن بینندگان را

شاد سازد.

بنی اسرائیل: از خدا بخواه بیش تر توضیح دهد، زیرا چگونگی این
گاو برای ما مبهم است، اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد

موسی: خداوند می فرماید: گاوی باشد که برای شخم زدن رام نشده،
و برای زراعت آبکشی ننموده است و هیچ عیب و رنگ دیگری در
او نیست

بنی اسرائیل: اکنون مطلب روشن شد. حقّ مطلب را برای ما آوردی.
(مضمون آیات ۶۷ تا ۷۱ سوره بقره.)

بنی اسرائیل به جستجو پرداختند تا گاوی را با همین اوصاف بیابند،
سرانجام چنین گاوی را از خانه همان مرد نیکوکاری که به پدر و
مادر احترام می کرد و پدرش گاوی به او بخشیده بود یافتند، آن گاو
را پس از چانه زنی های مکرر به قیمت بسیار گران یعنی به پُر بودن
پوست آن از طلا، خریدند و گاو را آوردند. به دستور موسی -
علیه السلام - آن گاو را ذبح کرده، دم او را قطع کردند و به مقتول
زدند، او به اذن خدا زنده شد و گفت: «فلان پسرعمویم که ادّعی
»خونهای مرا دارد، قاتل من است

معمّا حل شد و قاتل به مجازات رسید و مقتول زنده شده با دختر
عموی خود ازدواج کرد و مدّت زمانی با هم زندگی کردند و آن
مرد نیکوکار، که به پدر و مادر نیکی می کرد به سود کلانی رسید و
پاداش نیکوکاریش را گرفت، حضرت موسی - علیه السلام - فرمود

«نَظُرُوا إِلَى الْبِرِّ مَا بَلَغَ بِأَهْلِهِ؛ به نیکی بنگرید که چه پاداش
سودمندی به صاحبش می بخشد!»^۴

علت اهمیت احسان به والدین این است که اسلام به کانون خانواده
خیلی اهمیت می دهد و احترام و احسان به والدین باعث استحکام
کانون خانواده می گردد.

: پیامبر در سفارشاتش می فرماید

ای علی! برای نیکی به والدین، حتی مسیر دو ساله را پیما!

[۵].

همچنین آمده است که: از حضرت ابی عبد الله علیه السلام روایت
شده هر گاه روز قیامت شود پرده‌ای از پرده‌های بهشت برداشته شود
بوی بهشت را از پانصد سال راه بشنود هر کس که دارای شامه‌ای

^۴ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۵۹ به بعد

^۵ گلچین صدوق، ج ۲، ص: ۱۱۸

باشد مگر یک طایفه که نشوند عرض کردم آنها کیستند فرمود عاق پدر و مادر. و فرمود: کمترین عاقها گفتن کلمه‌ی اف باشد و اگر از آن کلمه پست‌تر کلمه‌ای بود خدا از آن نهی می‌کرد همچنان که خدای تعالی فرموده: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^[۶]

پس مگوی مر آن دو را اف و آزارشان مده و بگوی به آنها سخنی نیکو و پسندیده و فرمود هر کس بروی پدر و مادر از روی خشم نگاه کند اگر چه پدر و مادر در حق او ستم کرده باشند خدای تعالی نماز او را قبول نمی‌کند.

و از حضرت ابی جعفر روایت شده که رسول خدا فرموده بپرهیزید از عاق پدر و مادر زیرا که بوی بهشت از هزار سال راه شنیده می‌شود و عاق والدین و قاطع رحم و پیرمرد زناکار بوی آن را نمی‌شنوند^[۷]

خلاصه کلام اینکه از آیه فوق فهمیده می‌شود که عباداتمان خالص برای خداوند باشد. و در هر حال و هر شرائطی که هستیم به والدینمان نیکی کنیم و حتی کمترین کلمه‌ای که نشانه بی‌احترامی

⁶سوره مبارکه اسرا آیه ۲۴

⁷ارشاد القلوب-ترجمه رضایی، ج ۱، ص: ۴۲۱ و ۴۲۲

باشد (که در قرآن به اف تعبیر شده است) به آنان نگوئیم. و اف

پایین ترین مرتبه ی بی ادبی و بی احترامیست

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا

خداوند که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین «

نیکی کنند» بقره ۸۳

بگو اتفاق آن است که صرف پدر و مادر وفامیلهای «

انسان شود.» بقره ۲۱۵

خدارا عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین «

نیکی کنید» نساء ۳۶

نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی «

کنید» انعام ۱۵۱

ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را «

پیامرز» ابراهیم ۴۱

خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر «

نیکی نمائید.» اسراء ۲۳

خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می کرد «مریم ۱۴»

عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم «مریم ۳۲»

ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی «

بکند» عنکبوت ۸

و آدمی را دربارهٔ پدر و مادرش سفارش کردیم - مادرش او را «

در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را شیر داد - که مرا و پدر و مادر

را شکر نما» لقمان ۱۴

نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می «

آید را بیا مرز» نوح ۲۸

که خداوند در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر

را ذکر فرمود

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده ای در جامعه دارد. از جمله این آثار

میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به استحکام

جامعه منجر می شود، اشاره کرد

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش

خوبی هستند

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندان به آنها

می شود

پیامبر (ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم «

» شما احترام بگذارند

!مادر بردوش

گویند شخصی مادر خود را بر دوش گرفته بود و او را طواف
کعبه می داد. سپس خدمت پیامبر آمد و گفت: آیا حق او را ادا
کردم؟ حضرت فرمود: هرگز! و این محبت تو، حتی در برابر یک ناله او
» در هنگام وضع حمل نخواهد بود.^۸»

!امام حسین (ع) به جوان تبسم نمود

یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می
کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین (ع) ارتباط معنوی
دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا
است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادرم را به کربلا برای
زیارت می آوردم. شب جمعه ای باران می آمد و بنا بود که پدرم را
سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادرم از من
خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادرم، او را را بر کولم سوار
کردم و باید پدرم هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به
حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام در
ضریح ایستاده و بمن تبسم می کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار
» می شود.^۹

^۸ ارزش پدر و مادر

^۹ <http://jayed.blogfa.com/cat-21.aspx>

داستانی عجیب از جوانی که گرفتار عذاب ظلم به مادر شد!

روزی پیغمبر خدا حضرت محمد(ص) از قبرستانی عبور میکرد

دید از داخل یکی از قبرها صدای نعره ای می آید

آمد بالای سر قبر پایش را محکم روی زمین زد

و فرمود: ای بنده ی خدا بلند شو و بایست

قبر شکافته شد جوانی از قبر بیرون آمد

از تمام بدن این جوان آتش بیرون میزد

رسول خدا فرمودند: ای جوان تو از امت کدام پیامبری که اینگونه

عذاب میکشی؟

عرض کرد یا رسول الله از امت شما

پیامبر و لش به حال جوان سوخت

پیامبر فرمود: تارک الصلوات بودی؟

جوان گفت: نه یا رسول الله من پنج وعده نمازم را به شما اقتدا میکردم

پیامبر: روزه نگرفتی؟

جوان: یا رسول الله نه فقط رمضان بلکه رجب و شعبان و رمضان رو هم

•روزه میگرفتم

پیامبر فرمودند: ای جوان حج نرفتی؟

گفت: مستطیع نشدم

پیامبر فرمود: جهاد نکردی؟

جوان گفت: جانباز یکی از جنگ ها هستم

:پیامبر اکرم سرش را بالا گرفت و فرمود

خدایا من نمیتونم عذاب کشیدن امتم را ببینم

این جوان چرا اینگونه عذاب میکشد؟

خطاب رسید یا رسول الله حقت سلام میرساند

و میفرماید این جوان آق مادر شده تا مادرش رضایت ندهد عذاب

همین است

پیامبر به سلمان، ابوذر و مقداد مفرماید بروید مادر این جوان را پیدا

کنید

رفتند مادرش را پیدا کردند. یک پیرزن ضعیف و رنجور و مریض

احوال بود

رسول خدا باز امر کرد قبر شکافته شد جوان از قبر بیرون آمد

پیامبر فرمودند: مادر بین پسر و چطور دارد عذاب میکشد

بیا از سر تقصیر پسر و بگذر و حلالش کن

مادر جوان: سرش را بالا گرفت

و گفت: ای خدا اگر حق مادری بر گردن این پسر دارم

!!! لحظه ب لحظه عذاب پسر رو زیاد کن و کم نکن

تمام بدن این جوان آتش گرفت

رسول خدا فرمودند: پسرت مگر در حق تو چه بدی کرده

که تو لحظه ب لحظه نفرینش میکنی؟

عرض کرد یا رسول الله من با زنش یک روز در خانه مشاجره کردم

دعویمان شد، از راه رسید از من نپرسید چه شده

من را هل داد داخل تنور آتش. سینه ام سوخت، موهایم سوخت

قسمتی از بدنم سوخت، زن ها من را از آتش بیرون کشیدند

.لباسهایم را عوض کردند

همان سینه سوخته را در دست گرفتم در حق پسرم نفرین کردم سه

.روز بعد مرد

رسول خدا فرمودند: ای زن میدانی که من پیغمبر رحمت هستم

.به خاطر من بیا از تقصیر جوانت بگذر

سرش را بالا گرفت و گفت: ای خدا به حق این پیغمبر رحمتت قسم

میده

!!! که لحظه ب لحظه عذاب را بر پسرم زیاد کن و کم نکن

رسول خدا به سلمان فرمودند: سلمان برو به فاطمه ام بگو

نه تنها علی بلکه حسن و حسین را هم بیاورد

سلمان رفت خانه حضرت زهرا

و به فاطمه (س) گفت: پیامبر پیغام داده است سریع بیایید

مادر ما زهرا (س) آمد، علی (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) هم آمدند

اول مادر ما حضرت زهرا (س) جلو رفت

فرمودند: ای زن میدانی من فاطمه حبیبه ی خدا هستم

گفت: آره

فرمود: ای زن به خاطر من فاطمه از سر تقصیر جوانت بگذر

:زن سرش را گرفت بالا صدا زد

خدایا به حق حبیبه ات فاطمه قسم میدهم لحظه ب لحظه

عذاب پسرم را زیاد کن و کم نکن

دوباره آتش از بدن جوان بیرون رد

این بار امیرالمومنین علی (ع) جلو رفت

و فرمودند: ای زن به خاطر من از سر تقصیر پسرت بگذر

زن گفت: خدایا به حق علی (ع) قسم میدم لحظه ب لحظه عذاب

...پسرم را زیاد کن

•نوبت رسید به اقامون امام حسن(ع)

•آمد جلو و فرمودند:ای زن بخاطر من از سر تقصیر پست بگذر

زن گفت:خدایا به این غریب مظلوم تو را قسم میدم

•لحظه به لحظه عذاب پسرم رو زیاد کن و کم نکن

نوبت رسید به آقای ما حسین(ع)

آمد مقابل این زن ایستاد،ایشان خردسال بودند

چون دامن زن را گرفته بود و سرش را گرفته بود بالا

•و فرمود:ای زن به خاطر من از سر تقصیر جوانت بگذر

زن سرش را گرفت بالا یکهو دیدند رنگ از رخسار این زن پرید

به دست و پای حسین(ع) افتاد و عرض کرد:خدایا پسرم را به حسین

•بخشیده ام

پیغمبر خدا(ص)فرمودند: که ای زن چه شد؟

من،فاطمه،علی،حسن خواستیم قبول نکردی چه شد که حسین؟

عرض کرد:یا رسول الله سرم را گرفتم بالا در حق جوانم نفرین بکنم

دیدم فرشتگان در آسمان میگویند ای زن مبادا دل حسین را

بشکنی،،،،^{۱۰}

از طرفی اذیت رساندن وحتى نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می شود.

ای ابا مهزم! بین تو مادرت چه گذشت؟

«ابا مهزم گوید که: شبی از حضرت باقر (ع) خدا حافظی کردم و با مادرم به منزلمان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابا مهزم! ادیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل ننمود و از سینه اش تو را شیر نداد و تو را در دامنش بزرگ ننمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.»^{۱۱}»

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدرش شد!

روزی علی (ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او دربارهٔ گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفا یافت.^{۱۲}»

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.^{۱۳}»

مرحوم کافی و پدر

^{۱۲} مفاتیح الجنان قبل از دعای مشلول

^{۱۳} خویبها و بدیها

مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلو زن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.^{۱۴}

مقام معظم رهبری و احترام فوق العاده به پدر

آقای غلام شاه پسندی از محافظان رهبر معظم
انقلاب می گوید :

وقتی پدر آقای خامنه‌ای می‌اومد اگر جلسه ریاست جمهوری با یه رئیس جمهور خارجی ولو بود وقتی پدر ایشون وارد می‌شدند ایشون تمام قد می‌ایستادند به طرف پدرشون با سرعت می‌دویدند نه اینکه راه بره ، می‌دوید می‌رفت پیش پدرشون و حتما دست پدرشون رو می‌بوسید تا روزی که پدرشون مرحوم

شد من یاد ندارم یکبار آقای خامنه‌ای به پدرشون
برسه دستشون رو نبوسه^{۱۵}

هجرت از قم بخاطر پدر

آیت الله خامنه‌ای از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه مشغول شدند و از محضر بزرگان چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی ، امام خمینی رحمه الله ، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبائی استفاده کردند . در سال ۱۳۴۳ ، از مکاتباتی که رهبرانقلاب با پدرشان داشتند ، متوجه شدند که یک چشم پدرشان به علت « آب چشم » نابینا شده است بسیار غمگین شدند و بین ماندن در قم و ادامه تحصیل در حوزه عظیم آن و رفتن به مشهد و مواظبت از پدر در تردید ماندند!

به این نتیجه رسیدند که به خاطر خدا دست از قم بردارند و به مشهد بروند و از پدرشان مواظبت نمایند . چرا که اگر خدا بخواهد دنیا و

^{۱۵}سایت تابناک .

آخرت او را از قم به مشهد منتقل می‌کند. ایشان در این مورد می‌گویند:

«به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقاد این است که ناشی از همان بری (نیکی) است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام.^{۱۶}

اقای شمعدری تولیت حسینه آیت‌الله خامنه‌ای مشهد مقدس با اشاره به رابطه مثال‌زدنی بین مرحوم آقا سید جواد خامنه‌ای و مقام معظم رهبری افزود: ارادت مقام معظم رهبری نسبت به پدرشان غیر از رابطه پدر و پسریشان بود و این احترام به پدر را حتی در مراسم تشییع و خاکسپاری آن مرحوم نیز با همان ارادت و علاقه انجام دادند و صورت مبارکشان را به کف پای پدرشان می‌کشیدند.^{۱۷}

^{۱۶} پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری

^{۱۷} <https://www.tasnimnews.com>

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال

احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان

نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت

، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی

هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده‌ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد

و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»^{۱۸}

عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد

ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»^{۱۹}

قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

^{۱۸} خوییها و بدیها

^{۱۹} همان

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاً او را قسم داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.»^{۲۰}

«

سفر غیر ضروری فرزند با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و.. در اسلام ممنوع است.

چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟

²⁰داستانهای شگفت

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی (رض) رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امامت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»^{۲۱}

درسی که عید زاکانی به فرزندانش داد

«عید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

²¹خوبیها و بدیها

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عید زاکانی! کتاب
« ۲۲ »

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن
باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

:پیامبر خدا(ص) فرمود

هر فرزند نیکو کاری که با مهربانی به پدر و مادرش نگاه کند در
مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول باو داده می شود، سؤال
کردند، حتی اگر روزی صد مرتبه به آنها نگاه کند؟
فرمود: آری خداوند بزرگتر و پاکتر است.^{۲۳}

:پیامبر خدا(ص) فرمود

²² ارزش پدر و مادر

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۳

کسی که دستور الهی را در مورد پدر و مادر اطاعت کند، دو درب از بهشت برویش باز خواهد شد، اگر فرمان خدا را در مورد یکی از آنها انجام دهد یک درب گشوده می شود.^{۲۴}

:امام صادق(ع) فرمود

مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟

فرمود: به مادرت، عرض کرد، بعد از او به چه کسی؟

فرمود: به مادرت، گفت: سپس به چه کسی؟

فرمود: به مادرت، سؤال کرد: سپس به چه کسی؟

فرمود: به پدرت؟^{۲۵}

:ابی ولاد می گوید

:معنای آیه «و بالوالدین احسانا» را از امام صادق(ع) پرسیدم، فرمود

کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۷

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۹

احسان به پدر و مادر اینست که رفتارت را با آنها نیکو کنی و
مجبورشان نکنی تا چیزی که نیاز دارند از تو بخواهند. «یعنی قبل از
» درخواست آنان « نیازشان را برطرف کنی. ۲۶

:امام صادق(ع) فرمود

چه چیز مانع شخص می شود وقتی که پدر و مادرش زنده یا مرده
اند به آنها نیکی کند، باین صورت که به نیت آنها نماز بخواند،
صدقه بدهد، حج بجا بیاورد و روزه بگیرد، زیرا اگر چنین کند
ثواب آنها به پدر و مادر می رسد و به خود شخص هم همانقدر
ثواب داده می شود، به علاوه خداوند متعال به واسطه کارهای نیک
و نماز او خیر زیادی به او عطا می کند. ۲۷

:در نوشته حضرت رضا(ع) به مامون آمده که

نیکی به پدر و مادر واجب و لازم است اگرچه مشرک و کافر
باشند، ولی در معصیت خدا نباید اطاعتشان کرد. ۲۸

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۶

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۲

:امیر المؤمنین (ع) فرمود

کسی که پدر و مادر خویش را غمگین سازد عاق والدین شده است.
(حق آنها را رعایت نکرده است).^{۲۹}

:امام صادق (ع) فرمود

پدرم مردی را دید که پسرش همراهش راه می رفت و به بازوی پدر
تکیه کرده بود، (وقتی این جریان را دید) تا زنده بود از روی
ناراحتی و خشم با او صحبت نکرد.^{۳۰}

:امام صادق (ع) فرمود

هنگام مرگ جوانی، پیامبر اکرم (ص) کنار بستر او حضور یافتند و به
جوان فرمودند: بگو لا اله الا الله، فرمود: زبانش بند آمد، چندبار
تکرار کرد ولی زبان او بند شد، پیامبر (ص) به زنی که کنار جوان
بود فرمود: آیا این جوان مادر دارد؟ زن گفت: بله، من مادر او
هستم، فرمود: آیا از او ناراضی هستی؟ زن گفت: بله شش سال است
با او صحبت نکرده ام، فرمود: از او راضی شو، زن گفت: یا رسول

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶۴

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶۴

الله بخاطر رضایت تو خدا از او راضی شود. (من از او راضی شدم)
سپس پیامبر (ص) بجوان فرمود: بگو لا اله الا الله، جوان در این
هنگام گفت: لا اله الا الله و پس از لحظاتی مرد.^{۳۱}

رسول خدا (ص) فرمود

به عاق والدین از (طرف خدا) گفته می شود: هر کاری می خواهی
انجام بده دیگر تو را نمی بخشم و به نیکوکار (نسبت به پدر و مادر)
هم گفته می شود: هر چه می خواهی انجام ده تو را می بخشم.^{۳۲}

الامام ارضا (ع): حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ
التَّوْفِيقِ لِمَا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَ التَّوْفِيقِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ تَجَنُّبِ كُفْرِ النُّعْمَةِ وَ
إِبْطَالِ الشُّكْرِ وَ مَا يَدْعُو مِنْ ذَلِكَ إِلَى قَلَّةِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ لِمَا فِي
الْعُقُوقِ مِنْ قَلَّةِ تَوْفِيقِ الْوَالِدَيْنِ وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ
الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَيْنِ فِي الْوَلَدِ وَ تَرْكِ التَّرْبِيَةِ لَعَلَّهُ تَرَكَ الْوَلَدَ بَرَّهُمَا؛

(۳۳)؛ امام رضا (ع) خداوند نافرمانی پدر و مادر را از این جهت حرام
فرموده است که موجب از دست دادن توفیق طاعات خداوند عزوجل

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۵

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰

³³میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۱۰۰، ح ۲۲۷۱۸

و بی احترامی به پدر و مادر و ناسپاسی نعمت و از بین رفتن شکر و سپاسگذاری و کم شدن نسل و قطع شدن آن می شود؛ زیرا نافرمانی والدین سبب می گردد که به پدر و مادر احترام گذاشته نشود، حق و حقوق آن ها شناخته نشود، پیوندهای خویشاوندی قطع گردد، پدر و مادر به داشتن فرزند بی رغبت شوند و به علت نیکی نکردن و فرمان نبردن از پدر و مادر، آنان نیز کار تربیت او را رها سازند.

حق مادر

قال السجاد ع

قال السجاد ع: أَمَّا حَقُّ الرَّحِمِ - فَحَقُّ أُمِّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ «
حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا - وَأَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعَمُ
أَحَدٌ أَحَدًا - وَأَنَّهُا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَبَصَرِهَا وَيَدِهَا وَرِجْلِهَا - وَ
شَعْرِهَا وَبَشَرِهَا وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهَا - مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَةً مُوْبِلَةً
[مُؤَمِّلَةً] - مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهَا وَ أَلَمَ وَ ثَقَلَ وَ غَمَ [أَلَمَهَا وَ ثَقَلَهَا
وَ غَمَهَا] - حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ -
فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرِى - وَ تُرْوِيكَ وَ تَظْمَأُ
وَ تُظْلِكَ وَ تَضْحَى - وَ تُنْعِمَكَ بِبُؤْسِهَا وَ تُلَذِّدُكَ بِالنَّوْمِ بِأَرْقِهَا - وَ
كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وِعَاءً وَ حَجَرُهَا لَكَ حِوَاءً - وَ نُدْيُهَا لَكَ سَقَاءً وَ
نَفْسُهَا لَكَ وِقَاءً - تَبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ - فَتَشْكُرُهَا

عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ - وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا يَعُونَ اللَّهَ وَ تَوْفِيقَهُ.؛ امام سجاده
 :حق مادرت این است که بدانی او تو را در جایی نگه داشته که
 کسی نگه نمی‌دارد و از میوه دلش به تو داده که کسی به کسی
 نمی‌دهد و از تو با همه وجودش از گوش و چشم و دست و پا و مو
 و پوست، با شادمانی و سرور نگهبانی و نگهداری کرده، ناملایمات
 غم و اندوه و نگرانی‌ها را تحمل می‌کند و شادان و خرم است که تو
 را سیر نماید، و خود گرسنه بماند، تو را بیوشاند و خود برهنه باشد؛
 تو را سیراب کند و خود تشنه بماند؛ خود در آفتاب باشد و بر تو
 سایه افکند، با تحمل و مشقت، آرامش و تنعم تو را فراهم آورد و با
 پذیرش رنج بی‌خوابی، تو را از لذت خواب بهره‌مند سازد. شکمش
 ظرف وجود تو و دامنش پناهگاه امن تو سینه‌اش چشمه‌ی جوشانی
 برای رفع عطش تو و جانش فدای تو شده و سرد و گرم روزگار را
 به خاطر تو پذیرا گشته است؛ پس باید به پاس این همه محبت و
 زحمت، شکر گزار او باشی، و هرگز نمی‌توانی مگر خدایت یاری
 .کند

حق پدر

و أَمَّا حَقَّ أَبِيكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلَكَ، وَ أَنَّهُ لَوْ لَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْمَا
 رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مِمَّا يَعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلَ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ
 فِيهِ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. حق پدر

این است که بدانی منشأ وجود تو است، اگر او نبود تو هم نبود، هر چه در وجودت موجب خوش آیندی است بدان که ریشه‌ی این نعمت در وجود پدر است، پس خدا را شکر کن و به قدر این نعمت سپاسگزار باش و لا قوه الا بالله (نیروئی جز به مدد الهی نیست)

پیامبر اسلام ص فرمودند: «ذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَاقْطَعْهَا»؛ (۳۴) اگر مشغول خواندن نماز مستحبی هستی و پدرت تو را صدا بزند؛ حق نداری نمازت را قطع کنی؛ اما اگر مادرت تو را صدا زند؛ موظفی نماز مستحبی را شکسته و او را اجابت کنی

شخصی خدمت حضرت رسول اکرم (ص) عرض کرد: «یا رسول الله قال أن تطيعه ما عاشَ فقیلَ ما حقُّ الوالدِ فقالَ هیهاتُ هیهاتُ کو أَنَّهُ عَدَدَ رَمَلٍ عَالَجٍ وَقَطَرِ الْمَطَرِ أَيَّامَ الدُّنْيَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِهَا مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلَتْهُ فِي بطنِهَا»؛ (۳۵) ای رسول خدا! حق پدر چیست؟ حضرت فرمودند: مادامی که زنده است او را اطاعت کنی و مطیع او باشی. بعد عرض کرد: حق مادر چیست؟ فرمودند: اگر انسان به

کتاب سیری در رساله حقوق امام سجاد (ع)، ج ۲، ص ۲۰۶،

³⁴ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۸، ج ۱۷۹۳۳

³⁵ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳، ج ۱۸۰۱۴

اندازه‌ی ریگ‌های بیابان و قطرات باران و ایام روزگاران، در مقابل مادر بایستد و او را اطاعت کند، به اندازه یک روز دوران حمل، حق او را ادا نکرده است

رسول اکرم (ص) فرمودند: «دَعَوْهُ الْوَالِدَةُ أَسْرَعُ إِجَابَةٍ، قِيلَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: هِيَ أَرْحَمُ مِنَ الْأَدَبِ، وَدَعَوْهُ الرَّحِمُ لَا تَسْقُطُ»؛^(۳۶) دعای مادر سریع‌تر اجابت می‌شود، عرض کردند: چرا یا رسول الله! حضرت فرمودند: چون مادر رحمت و مهربانی‌اش نسبت به فرزند از پدر بیشتر است، خداوند دعای انسان دحیم و مهربان را هرگز رد نمی‌کند.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ يَضْمَنُ لِي بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَصَلَةَ الرَّحِمِ أَضْمَنَ لَهُ كَثْرَةَ الْمَالِ وَزِيَادَةَ الْعُمُرِ وَالْمَحَبَّةَ فِي الْعَشِيرَةِ^(۳۷)؛ کسی که تضمین کند نیکوکاری و خدمت به پدر و مادر و صله رحم را انجام دهد، من برای او چند چیز را تضمین می‌کنم: یکی مال، ثروت و مکنت زیاد؛ دوم عمر طولانی و سوم محبوبیت در میان اقوام و خویشان.

³⁶ محجه البیضاء، ج ۳، ص ۴۲۵

³⁷ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶، ح ۱۷۹۱۵

أَنَّهُ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَرْفَعُ لَهُ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ لَا يَعْرِفُهَا مِنْ أَعْمَالِهِ فَيَقُولُ رَبِّ أَنَّى لِي هَذِهِ فَيَقُولُ بِاسْتِغْفَارِ وَالِدَيْكَ لَكَ مِنْ بَعْدِكَ (۳۸)؛ وقتی

بنده ای به بهشت می رود، او را درجاتی می دهند که وی هر چه اعمال خود می اندیشد عمل قابل توجهی که او را در آن جایگاه قرار بدهد، نمی بیند، سوال می کند خدایا! این مقام و مرتبه از کجا برای من فراهم شده است؟ جواب می شنود با طلب مغفرت والدین تو

مصادیق احسان به والدین و حقوق آنها

در بعضی از کتب اخلاقی تا بیش از ۸۰ مورد بیان نموده اند که کا به

ذکر بعضی از آنها می پردازیم

۱- اطاعت از والدین مگر در معصیت خالق

۲- به اسم صدا نزدن والدین

۳- جلو تر از والدین راه نرفتن

۴- قبل از والدین نشستن

۵- سبب فحش دادن مردم به آنها نشدن

۶- خشوع در برابر آنها، هنگامی که خشمگین می شوند

۷- شکر گزار آنها بودن در همه حال

۸- خیر خواه بودن آنان در نهان و آشکار

9- برآوردن حاجت آنها قبل از اینکه ابراز کنند

:عمده حقوق والدین پس از مرگ

عمل کردن به وصیت ایشان چنانچه بر اساس قوانین شرعی 1-
است.

دعا کردن و درخواست رحمت از خدا برای ایشان 2-

رسیدگی به بدهکاری مالی آنها 3-

انجام عبادات و خواندن قرآن و نماز به یاد آنها 4-

خواندن نماز قضا و گرفتن روزه قضا آنها 5-

به زیارت قبور آنها رفتن 6-

حفظ مودت و ارتباطات سالم خانوادگی پس از ایشان 7-

احسان به دوستان آنها پس از وفاتشان 8-

صدقه دادن و خدمت به مردم به نیت آنان 9-

به زیارت معصومین (ع) رفتن به نیت آنها 10-^{۳۹}

:رسول خدا(ص) فرمود

کسی که به نیت پدر و مادرش حج انجام دهد یا بدهکاری آنها را

بپردازد خداوند او را در روز قیامت با نیکان برمی انگیزد.^{۴۰}

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود
و باید بعد از رحلتشان نیز همواره بفکر آنان بوده و برای ایام برزخ
مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر
بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات
فدای مستحبات می گردد. کسیکه از دنیا می رود بجای اینکه واجبات
او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر
بر اوست ادا کنند، بفکر غذا دادن و گاهی خودنمائی های ضرر آور
می افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی
که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امریکه حتی
استحباب آن ثابت نشده می نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که
تا مدتها زیر بار قرض می روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده
که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند

و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیلها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج هائیکه بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و... نمایند.

امام پنجم (ع): سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است- آنان را فراموش ننموده است-.^{۴۱}

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»^{۴۲}

⁴¹خوبیها و بدیها

⁴²همان

«امام سجّاد(ع) به پسرش: دقت کن و بین آیا احدی از انسانها را می توانی پیدا کنی که از نعمت پدر و مادرت برایت مهمتر و بیشتر باشند.»

«در روایات ما از رسول خدا(ص) و علی مرتضی(ع) بعنوان والدین معنوی شیعیان نام برده شده است که اهمیتشان از والدین جسمی بیشتر می باشد.»^{۴۳}

بخش دوم: ارتباط با فامیل و بستگان مخصوصا فامیل نَسَبی

اسلام به همگان توصیه کرده که با فامیل‌های خود در ارتباط مستمر باشید و مواظب باشید بخاطر مساله ای ارتباطت رو قطع نکنی. زیرا داشتن ارتباط با فامیل باعث برکات زیادی می شود و از طرفی قطع ارتباط اثار زیانباری را برای انسان پیش می آورد. می توان گفت اسلام دین ارتباط و پیوند دائمی با فامیل است و مخالف جدی قهر و قطع ارتباط با بستگان می باشد.

اهمیت فوق العاده صله رحم در روایات اسلامی

و در مجمع البیان در ذیل آیه: "و اتقوا الله الذی تسألون به و الارحام"^{۴۴}، از امام باقر (ع) روایت آورده که فرمود: معنای تقوای از ارحام این است که از قطع رحم پرهیزی

امیر مؤمنان (ع) از جمله نشانه های اهل ایمان را انجام صله ارحام فرمود.

صله رحم و آسانی جان دادن *

امام صادق (ع) فرمود: هر که دوست دارد، خدا سختی های جان کندن را بر او آسان کند، باید صله رحم کند و به پدر و مادرش نیکی کند در این صورت خدا جان کندن را بر او آسان کند و در زندگی دچار پریشانی و فقر نشود^{۴۵}.

صله رحم و اجر شهید *

رسول خدا (ص) فرمود: هر که نزد خویشاوندی رود و با خود و مالش با او صله رحم کند، خدای عز و جل به او اجر یک صد شهید دهد، هر گامی که بر می دارد ۴۰ هزار حسنه دارد و ۴۰ هزار گناهش محو می شود و ۴۰ هزار درجه بالا رود و گویا یک صد سال خدا را عبادت کرده است.^{۴۶}

^{۴۵}امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، متن، ص ۳۸۹

^{۴۶}امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره ای، متن، ص: ۴۲۲

*

صله رحم و افزایش عمر *

حنان بن سدير» می گوید، ما در حضور امام ششم (ع) بودیم و «
میسر (یکی از اصحاب) در میان ما بود و سخن از صله خویشان شد
، آن حضرت فرمود: ای میسر، مرگت چند بار فرا رسید بود و هر بار
برای صله رحم تو عقب افتاد، اگر می خواهی عمرت افزایش یابد به
دو پیر خود احسان کن (یعنی پدر و مادر).^{۴۷}

صله رحم ولو به یک سلام *

امیر مؤمنان (ع) فرمود: با ارحام خود ارتباط داشته باشید گر چه به
سلامی باشد، زیرا خدای تبارک و تعالی می فرماید: بترسید از خدا
زیرا بازپرسی می شوید از او و از ارحام ... (آیه اول سوره النساء)^{۴۸}
امام صادق (ع) فرمودند: به راستی ارتباط خویشاوندی و نیکوکاری
حساب [روز جزا] را آسان می نمایند و [انسان را] از گناهان دور می

^{۴۷}آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۵۴

آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۶۰

سازند. پس با برادران خویش، صله رحم نمایید و به آنان نیکی کنید، اگر چه با نیکو سلام کردن و نیکو پاسخ دادن به سلام باشد.^{۴۹}

صله رحم ولو با جرعه‌ای آب *

رسول خدا (ص) فرمود: صله رحم کنید گر چه به یک شربت آب باشد و بهتر از آن خودداری از آزار دیگران است.^{۵۰}

رسول خدا (ص) فرمود: نیکی به والدین و صله رحم، حساب را آسان می‌کنند و سپس آن حضرت این آیه را خواند «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ ...»^{۵۱}

صله رحم و خوش خلقی *

امام ششم (ع) فرمود: صله رحم همان خوش خلقی، بخشش و

⁴⁹تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص: ۶۸۵

⁵⁰آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۶۷

⁵¹آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۶۴

خوش دلی است، و روزی را افزایش می‌دهد و مرگ را عقب می‌اندازد.^{۵۲}

سفارش پیامبر (ص) به اولاد عبدالمطلب *

امام ششم (ع) فرمود: رسول خدا (ص) همه اولاد عبدالمطلب را گرد آورد و فرمود: ای اولاد عبدالمطلب! سلام را فاش ادا کنید و صله رحم کنید و شب که مردم خوابند عبادت کنید، و اطعام کنید و سخن خوب بگوئید تا سلامت به بهشت بروید.^{۵۳}

صله رحم و سیره اهل بیت علیهم السلام *

امام صادق (ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی بر شما واجب کرده دوستی و پیروی ما را، و لازم کرده بر شما فرمانبری از ما را، آگاه باشید هر که از ما است، باید از ما پیروی کند، بدانید که سیره و رفتار ما پارسایی و کوشش است، ادای امانت به خوب و بد، صله رحم، مهمان‌نوازی و گذشت از کسی که به شما بد کرده است، و

^{۵۲} آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۷۳

^{۵۳} آداب معاشرت-ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۲۳

هر کس پیرو ما نباشد از ما محسوب نمی شود و سپس فرمود: سفیه نباشید، که امامان شما کار سفیهانه نمی کنند^{۵۴}.

صله رحم و خوشنودی امام صادق (ع)

داود بن کثیر رقی گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام «نشسته بودم، قبل از اینکه من سخنی بگویم، ایشان فرمودند: ای داود! روز پنجشنبه اعمال شما را بر من عرضه داشتند، در بین آنچه از اعمال تو عرضه شد، مشاهده کردم صله رحمی که در مورد پسر عمویت کرده بودی مرا خوشحال کرد... داود گفت، پسر عمویی داشتم که دشمن اهل بیت (ع) و خیلی خبیث بود، شنیدم وضع مالی او خوب نیست، قبل از رفتن به مکه مقداری پول برایش حواله دادم وقتی به مدینه رسیدم حضرت صادق علیه السلام جریان را به من فرمود^{۵۵}.

صله رحم و ممانعت شیطان *

(آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار، ج ۲، ص: ۷۸)

54

⁵⁵بخش امامت، ترجمه جلد هفتم بحار الانوار، ج ۱، ص: ۲۵۰)

حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: هنگامی که کسی از شما تصمیم به انجام عمل خیر یا صله رحم را گرفت باید متوجه باشد که در سمت راستش شیطانی و در سمت چپش شیطان دیگری هست بنا بر این پیش از آنکه آن دو شیطان شما را از این کار منصرف سازند فوراً آن را انجام دهند.^{۵۶}

ویژگی‌های چند گانه صله رحم *

پیامبر اکرم (ص) فرمود: شخصی که سه سال از عمرش باقی مانده اگر صله رحم کند، خداوند سی سال عمر او را افزایش می‌دهد، چنانچه قطع رحم نماید، اگر از عمرش سی سال باقیمانده باشد به سه سال کاهش می‌یابد. آنگاه این آیه را تلاوت نمود: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» صله رحم باعث آبادی مملکت و افزایش عمر می‌شود، گرچه اهل آن زمان، مردمان خوبی نباشند. صله رحم باعث آسانی حساب روز قیامت می‌شود و از ترک بد

^{۵۶}بحار الانوار، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص: ۲۳۴

جلوگیری می‌کند.^{۵۷}

صله رحم و پاداش سریع *

سه خصلت است که صاحبان آنها تا وبال و گرفتاریش را در این دنیا نبینند نخواهند مرد: «۱- ستم، ۲- قطع ارتباط خویشاوندی، ۳- و سوگند دروغ که نبرد با خداوند است» و به راستی آن طاعتی که سریع‌تر از دیگر طاعات، پاداشش می‌رسد «صله رحم» است. و گروهی با آنکه فاجر و معصیت‌کارند، ولی در پرتو صله رحم و مهرورزی به یک دیگر ثروتشان برکت یافته و افزون می‌گردد، و بی‌شکّ سوگند دروغ خوردن و قطع رحم، شهرها را ویران و خالی از سکنه می‌سازد. (۵۸)

صله رحم؛ محبوب‌ترین راه‌ها به جانب خدا *

محبوب‌ترین راه‌ها به جانب خدا دو گام است: گامی که مسلمان

^{۵۷}زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام، ص: ۱۳۸

^{۵۸}تحف العقول-ترجمه جعفری، ص: ۲۷۶

بردارد و صفی را در راه خدا محکم سازد، و گامی که در راه صله
رحم (دیدار خویشاوندان) بردارد از گام قبلی، افضل است.^{۵۹}

ازدواج و صله رحم *

حضرت سجّاد علیه السّلام فرمود: کسی که برای خدا و به قصد صله
رحم، ازدواج نماید، پروردگار او را به تاج بزرگی و عظمت، مفتخر
و سرفراز خواهد، ساخت.^{۶۰}

قطع رحم و کیفر زودرس *

امام باقر (ع) فرمود: چهار چیز است که کیفری زودرس دارد، مردی
که در باره اش نیکی کنی و او به تو جزای بد دهد و مردی که به او
ستم نکرده ای و او تو به ستم کند و مردی که با او معاهده انجام
کاری کنی و تو در عهدت وفادار باشی و او با تو به حيله رفتار کند
و مردی که با خویشان خود صله رحم می کند، ولی خویشانش از او

⁵⁹تحف العقول، ترجمه جنتی، متن، ص ۳۴۱

⁶⁰الحديث، روایات تربیتی، ج ۲، ص: ۲۳۰

قطع می کنند. (۶۱)

قطع رحم و لعن خداوند *

حضرت رسول (ص) فرموده اند: سوگند به کسی که جان من در دست اوست، هرگز وارد بهشت نمی شوید تا آنکه ایمان بیاورید و ایمان نخواهید آورد تا آنکه محبت بورزید، آیا شما را به کاری راهنمایی کنم که چون آن را انجام دهید، مهرورزی کرده اید پس میان خود سلام دادن را آشکار کنید

بدانید زمانی که مردم تظاهر به علم کنند و عمل را ضایع سازند و فقط به اظهار محبت اکتفا نمایند و در دل کینه توزی کنند و قطع صله رحم کنند، در آن حال خدایشان لعنت و کر و کورشان می فرماید. ۶۲

صله رحم و آسانی حساب قیامت *

⁶¹ خصال، ترجمه فهری، ج ۱، ص: ۲۵۵

⁶² (روضه الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، ص: ۶۶۰)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا صله رحم و نیکی (به مردم) حساب (قیامت) را (بر آدمی) آسان کند، پس صله رحم کنید و به برادران (دینی خود) نیکی نمایید، گر چه (نیکی شما) به سلام کردن نیکی و جواب دادن نیک باشد.^{۶۳}

حضرت علی (ع) می فرماید:

«صلة الرحم توجب المحبة»؛ (۶۴).

پیوند با خویشاوندان (صله رحم) محبت می آورد.

روشن است که قطع این رابطه هم، سردی و کدورت و جدایی دلها را در پی دارد. در احادیث، از صله رحم به عنوان «محبوب کننده انسان میان بستگان» یاد شده است: «صلة الرحم ... محبة فی الاهل».^(۶۵)

⁶³ طرائف الحكم یا اندرزهای ممتاز، ترجمه ج ۱، ص: ۴۰۸

⁶⁴ غررالحکم.

اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

سفارش اکید دین، بر این است که حتی با آنان که با شما بریده و قطع رابطه کرده اند، صله رحم و تجدید رابطه کنید (صل من قطعک) که این، نوعی ایثار و گذشت فوق العاده می طلبد. محدوده این پیوند نیز گسترده است و هر بهانه را از دست انسان می گیرد. امام صادق (ع) می فرماید:

«صل رحمک و لو بشربه من ماء»؛ (۶۶).

صله رحم کنید، هر چند در حد خوردن جرعه آبی باشد. در حدیث معروف دیگری آمده است:

«صلوا ارحامکم و لو بالسلام»؛

هر چند با سلام گفتن، با خویشاوندان پیوند برقرار کنید. آنچه گاهی مانع رفت و آمدهای خانوادگی و دیدارهای خویشاوندان یا دوستان می شود، توقعات بالا، هزینه و مخارج، معطلی رفت و برگشت، وقت نداشتن افراد و ... است. اما اگر به حداقل هم راضی باشیم و لحظه ای نشستن و حالی پرسیدن و آبی و چایی خوردن و برخاستن، یا از همان دم در، سلام کردن و جویای حال شدن و برگشتن هم باشد، «صله رحم» ها بیشتر و ارتباطها قویتر

خواهد گشت.

آثار و نتایج

این نوع پیوند، فواید بسیار و آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد که از احادیث بسیار آن، تنها به دو نمونه زیر، اکتفا می کنیم:

حضرت امام باقر(ع) فرموده است:

«صَلَةُ الْاِرْحَامِ تَزَكِي الْاَعْمَالَ وَ تَنْمِي الْاَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبُلُوْى وَ تَسِرُ الْحِسَابَ وَ تَنْسِيْ ءَ فِى الْاَجَلِ»؛ (۶۷).

صله ارحام، «اعمال» را پاک، «اموال» را افزون، بلاها را دفع، حساب را آسان می کند و «اجل» را به تاخیر می اندازد.

همچنان که می بینید، نتایج یاد شده، برخی به امور دنیوی مربوط است، برخی هم نتایج اخروی و پاداشهای خدایی را نسبت به این عمل، بازگو می کند.

حدیث دیگر از امام صادق(ع) است:

«صَلَةُ الْاِرْحَامِ تَحْسِنُ الْخَلْقَ وَ تَسْمَحُ الْكُفَّ وَ تَطِيْبُ النَّفْسَ وَ تَزِيْدُ

فی الرزق وتنسئ الاجل»؛ (۶۸).

صله رحم، اخلاق را نیکو، دست را بخشنده، دل و جان را خوش می سازد، رزق را می افزاید و اجل و مرگ را به تاخیر می اندازد.

این کار نیک و ساده، آن قدر سازنده و مفید است و آنچنان مورد رضای پروردگار، که گاهی تقدیر الهی به خاطر آن عوض می شود و خداوند به پاداش این عمل نیکو، بر عمر کسی می افزاید. در مقابل، قطع رابطه ها و بریدن از خویشاوندان، به حدی شوم و نفرت بار و در نظر خداوند، ناپسند است که عمر را می کاهد.

به این حدیث تکان دهنده توجه کنید:

امام صادق (ع) فرمود: «ما چیزی را جز «صله رحم» سراغ نداریم که عمر را زیاد کند، تا آنجا که گاهی تا زمان مرگ یک نفر، سه سال مانده است، ولی او اهل صله رحم می شود. آنگاه خداوند، سی سال بر عمرش می افزاید و سی و سه سال دیگر زنده می ماند. و گاهی اجل کسی سی و سه سال است، به خاطر قطع رحم و گسستن رابطه های خویشاوندی، کاهش می یابد و اجلش سر سه سال فرامی

رسد.» (۶۹).

مرز صله رحم

این ادب معاشرت، اختصاص به بستگان پاک و با تقوا و حزب اللهی هم ندارد. یک وظیفه اخلاقی است، حتی نسبت به آنان که اهل گناهند. چه بسا به برکت رفت و آمدهای بستگان صالح، فاجران هم راه صلاح پیش گیرند و تاثیر بپذیرند. گاهی ترک مراوده و رفت و آمد، سبب می شود که بستگان معصیت کار، در گناه و بیراهه خود، بیشتر پیشروی کنند، ولی حفظ رابطه، جلوی بدتر شدن آنان را می گیرد. در این صورت، تکلیف، همچنان نگهبانی از این خط ارتباط و پیوند خویشاوندی است.

یکی از شیعیان از امام صادق (ع) می پرسد: برخی خویشاوندانم خط و تفکر دیگری دارند، غیر از فکر و مرامی که من دارم. آیا آنان بر من حقی دارند؟ حضرت فرمود: آری، حق قرابت و خویشاوندی را چیزی قطع نمی کند. اگر با تو همفکر و هم عقیده باشند، دو حق

بر تودارند: یکی حق خویشاوندی، دوم حق اسلام و مسلمانی. (۷۰).
 حتی اگر بستگان، مایه آزار انسان را هم فراهم کنند، باز حق
 گسستن پیوند را نداریم. در حدیث آمده است:
 مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من
 خویشاوندانی دارم که من با آنان پیوند می کنم و رابطه دارم، اما
 آنان آزارم می دهند. تصمیم گرفته ام آنان را ترک کنم. حضرت
 رسول فرمود: آنگاه، خدا هم تو را ترک می کند! ... گفت: پس چه
 کنم؟ رسول خدا فرمود: به کسی که محرومت کرده، عطا کن، با
 کسی که از تو بریده، رابطه برقرار ساز، کسی که بر تو ستم کرده، از
 او درگذر. هر گاه چنین کردی، خداوند پشتیبان تو خواهد بود. (۷۱).

از علی (ع) نقل شده که فرمود:

«صلوا ارحامکم و ان قطعوکم»؛ (۷۲).

میزان الحکمه، ج ۴، ص ۸۳.

70

بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۰.

71

همان، ص ۹۲.

با خویشاوندانتان پیوند و رفت و آمد داشته باشید، هر چند آنان
باشما قطع رابطه کرده باشند.

عوامل قطع رحم چیست؟

۱- نفوذ فرهنگ منحط غرب

در فرهنگ منحط غرب، جایی برای صله ارحام نیست و اکثر
خانواده ها از هم پاشیده شده و ارتباطی بین اقوام و فامیل وجود
ندارد و همین فرهنگ را از طریق فیلمها و رسانه های خود می
خواهند به کشور ما وارد نمایند. لذا می بینیم که در شهرهای مختلف
خانه سالمندان احداث می گردد و در بازدید از والدینی که در این
مکان ها نگه داری می شوند تعدادی از آنها شکوه می کنند که
فرزندان ما در این شهر هستند ولی حاضر نیستند بیایند و احوالی از ما
پرسند!

نماینده آیه الله بروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی
به بیمارستان می رفتیم. در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی
بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت
اومی آئید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او گفت

با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت
من نیامده‌اند!»^{۷۳}

۲- بعضی همسران!

موارد زیادی دیده شده که مرد قبل از ازدواج با والدین و فامیل
ارتباط حسنه ای داشته است اما بعد از ازدواج ارتباطش با آنها کم
می شود و گاهی به دلیل تحریک همسرش، کلاً ارتباط خود را با
والدین و فامیل خود قطع می کند و گاهی مرد می خواهد به والدین
خود کمک کند زن مانع می شود و مرد با این کار خود را جهنمی
می نماید و از طرفی گناه بزرگی را در پرونده همسر این مرد می
نویسند که مانع صله ارحام شوهرش شده است..

در حالی که مرد نباید تابع همسرش باشد و مخصوصاً در نیکی به
والدین باید وظیفه خود را انجام دهد چه همسرش راضی باشد یا
نباشد.

اقایی می گفت چهار سال است به مادرم سر نزدم! از او پرسیدم مگر مادر شما جای دوری زندگی می کند؟ گفت نه. در همین شهر است ولی همسرم نمی گذارد به مادرم سر بزنم!!!!!!

باز اقایی می گفت برادرم قبل از ازدواج خوب بود و به والدین و فامیل سر می زد ولی از زمانی که ازدواج کرد کلاً ارتباطش رو با والدین و فامیل و ما قطع کرد. حتی مادرم از دنیا رفت به مجلس فاتحه او نیامد! و حدود سی سال است ما او را ندیده ام. مادرم قبل از مردنش مرتب می گفت می شود یک روزی بیاید و پسر من از این در داخل خانه شود و من او را ببینم؟ و با این حسرت از دنیا رفت. یقیناً این پسر اهل جهنم است و عاقبت به شر می شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد که حضرت -

موسی بن عمران به پروردگار عرض کرد که **آن دوست من که شهید شد حالش چگونه است؟** خطاب رسید او در جهنم است. عرض کرد پروردگارا مگر شهید را وعده بهشت نداده ای؟ فرمود:

چرا ولی او اصرار داشت به آزردن پدر و مادر و من عمل کسی را
که بر پدر و مادر ستم روا دارد قبول نمی‌کنم.^{۷۴}

در داستانی دیگر آمده است: اویس کار می‌کرد و از اجرت آن
مخارج مادر خود را می‌داد یک روز از مادر اجازه خواست که برای
دیدن و ملاقات با رسول‌الله به مدینه برود مادرش گفت: اجازه
می‌دهد به شرط آنکه بیش از نصف روز در مدینه توقف نکنی.
اویس حرکت کرد وقتی به خانه پیامبر رسید اتفاقاً آن گرامی
تشریف نداشتند ناچار اویس بعد از یکی دو ساعت توقف پیامبر را
ندیده مراجعت کرد. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به خانه آمدند
پرسیدند: این نور کیست که در این خانه تابیده؟ گفتند: شتربانی که
اویس نام داشت به اینجا آمد و باز گشت. فرمود: آری اویس در
. خانه‌ی ما این نور را به هدیه گذاشت و رفت

:پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره‌اش فرمود

یفوح روائح الجنة من رقبل القرآن و اشوقاه اليك يا اويس القرآن»
»

نسیم بهشت از جانب یمن و قرن می‌وزد چه بسیار مشتاقم به دیدارت
ای اویس قرنی^{۷۵}

۳- مشکلات اقتصادی

یکی از دلایل کم شدن رفت و آمدها با فامیل، هزینه بالای مهمانی دادن است. که انسان را مستاصل می‌کند و از دادن مهمانی به فامیل پشیمان می‌کند. در حالی که اگر فرد وضع مالی خوبی داشت اهل رفت و آمد و مهمانی دادن بود.

همچنین درمورد کمک به والدین هم گاهی مشکلات اقتصادی مانع کمک فرد به والدین خود می‌شود. در حالی که همانطور که مخارج فرزند به عهده والدین است، مخارج والدین اگر فقیر باشند بعهد فرزندانی می‌باشد. و خوشا بحال فرزندی که حاضر است خود گرسنه بماند ولی والدین او سیر بشوند. و یا به فامیل فقیر کمک می‌کند درحالی که خود دچار مشکلات مالی می‌باشد. این بسیار با

ارزش می باشد و در زندگی انسان آثار خیلی خوبی بجا خواهد گذاشت.

منابع

قران کریم

میزان الحکمه-ایه الله محمدی ری شهری،

کنز العمال-علامه کراچکی

بحار الانوار-علامه مجلسی،

گلچین صدوق- نویسنده:ابن بابویه، محمد بن علی-گردآوری و

ترجمه:صفاخواه، محمدحسین

ارشاد القلوب-نوشته دیلمی-ترجمه رضایی

.ارزش پدر و مادر- سید اسماعیل گوهری

امفاتیح الجنان قبل از دعای مشلول

خوبیها و بدیها-صرفی پور

داستانهای شگفت-شهید ایه الله دستغیب

مستدرک الوسائل- تألیف میرزا حسین نوری -

کتاب سیری در رساله حقوق امام سجاد (ع) - نویسنده: آیت الله

میرسید محمد یثربی،

محجّه البیضاء - نوشته مرحوم فیض کاشانی (رض)،

مقاله عباس یسلایانی

امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره‌ای

آداب معاشرت، ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار -

نویسنده: مجلسی، محمدباقر بن محمد تقیمصح: بهشتی،

محمد مترجم: کمره‌ای، محمدباقر،

تحف العقول - نوشته ابن شعبه حرّانی، ترجمه حسن زاده،

بخش امامت، ترجمه جلد هفتم بحار الانوار - نویسنده:

محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، مترجم: موسی خسروی

زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - سید جعفر شهیدی

الحديث، روایات تربیتی - مرتضی فرید (گردآورنده)،

خصال - شیخ صدوق -، ترجمه فهری،

روضه الواعظین، فتال نیشابوری، محمد بن احمد- ترجمه مهدوی
دامغانی

طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز- حمد آشتیانی، بهراد جعفری
(مصحح)

غررالحکم- سخنان علی ابن ابی طالب علیه السلام- جمع اوری
توسط آمدی، عبدالواحد بن محمد

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=>

<http://jayed.blogfa.com/cat-21.aspx>

<http://www.cloob.com/c/00.00/118595525>

<https://www.tasnimnews.com>